

در هشتمین سالگرد بزرگداشت مجاهد انقلابی؛ شیخ محمدتقی بهلول کتابی

پناهیان: علامه بهلول الگویی برای تمام انقلابیون جهان اسلام است/ برای اینکه انقلابیون ما به افراط و

تفریط در انقلابی‌گری کشیده نشوند، به اسوه‌ای مانند علامه بهلول احتیاج داریم/ اگر جوان‌های ما با

زندگی این عالم مجاهد آشنا شوند، به او تأسی خواهند کرد/ اگر شخصیت بهلول را به جهان اسلام

معرفی کرده بودیم، آمار شیعه‌کشی‌ها کمتر می‌شد

حجت الاسلام پناهیان: شخصیت بهلول، واقعاً شخصیت عجیب و شگفت‌آوری است و مقام معظم رهبری با حساب درباره آقای بهلول فرمودند که: «یکی از شگفتی‌های روزگار ما بود». یک قرن زندگی جهادی بهلول الگوی انقلابی‌گری امروز ماست که هم انقلابیون را از افراط پرهیز می‌دهد و هم اتهام افراطی‌گری را از انقلابیون برمی‌دارد، چون هم یک انقلابی با بصیرت بود و هم تاریخ‌گواه حقانیت مواضع انقلابی اوست.

مراسم هشتمین سالگرد علامه بهلول در محل مرقد او در شهر گناباد با سخنرانی حجت الاسلام پناهیان برگزار شد. در ادامه فزاهایی از این سخنرانی را می‌خوانید:

علامه بهلول مایه افتخار حوزه‌های علمیه/ تجسم عملی مباحث نظری و علمی در شخصیت یک عالم دینی، او را به یک الگو و اسوه تبدیل می‌کند

• شخصیت علامه بهلول نه تنها یک شخصیت تاریخی است بلکه خود ایشان یک تاریخ با عظمت به حساب می‌آید. این عالم جلیل‌القدر نه تنها مایه افتخار شهر گناباد است بلکه مایه افتخار حوزه‌های علمیه و طلاب علوم دینی است. اگر طلبه‌ها و علمای دینی با این شخصیت از نزدیک آشنا شوند، به شغل و مسلک و مرام خودشان بیش از پیش افتخار خواهند کرد. چون وقتی مباحث نظری و علمی، در شخصیت یک عالم دینی تجسم عملی پیدا کند، به شدت مایه افتخار خواهد بود و اسوه و الگو قرار می‌گیرد.

ایران می‌تواند خودش را با شخصیت علامه بهلول به جهان اسلام و بلکه جهان بشریت معرفی کند

• علامه بهلول نه تنها مایه افتخار حوزه‌های علمیه است بلکه مایه افتخار ایران اسلامی است، و ایران می‌تواند خودش را با شخصیتی به نام علامه بهلول به جهان اسلام و بلکه جهان بشریت معرفی کند.

• گاهی اوقات وقتی رییس جمهور کشوری به کشور دیگری می‌رود و می‌خواهد به مردم آن کشور نشان دهد که من با شما آشنا هستم و ارادت دارم، شخصیتی سریالی که به یک افسانه مربوط می‌شود را نام می‌برد و می‌گوید من شما را با قهرمان این سریال شناخته‌ام؛ با وجود اینکه آن قهرمان اساساً یک افسانه بوده، ولی مردم آن کشور به آن افتخار می‌کنند. در حالی که ما یک شخصیت واقعی داریم که ظرفیت جهانی شدن دارد و می‌تواند در دل جهان اسلام نفوذ کند. حتی نباید بگوییم علامه بهلول، فقط اسوه و افتخاری برای جهان تشیع است و نباید او را به ایران و جهان تشیع محدود کنیم.

علامه بهلول، یکی از سندهای حقانیت انقلاب است/ علامه بهلول الگویی برای تمام انقلابیون جهان اسلام

• این عالم مجاهد، افتخار انقلاب اسلامی ایران نیز هستند؛ انقلابی با ۲۵۰ هزار شهید که موجب آغاز بیداری اسلامی و بیداری انسانی در جهان بشریت و منجر به یک پیچ تاریخی شده است. ایشان یکی از سندهای حقانیت این انقلاب بزرگ محسوب

می‌شود. درست است که حقانیت انقلاب ما معلوم است و راهش مشخص است ولی گاهی اوقات می‌توان خود انقلاب را به شخصیت‌هایی مانند آقای بهلول مستند کرد.

• شخصیت‌های انقلابی و بزرگواری مانند علامه بهلول، امروز سند و افتخاری برای همه انقلابیون هستند، نه فقط برای انقلابیون ایران اسلامی، بلکه برای همه انقلابیون در عرصه بین‌الملل؛ انقلابیونی که در لبنان و عراق با دشمن می‌جنگند و از مردم خود دفاع می‌کنند، انقلابیونی که در سوریه دارند از حرم حضرت زینب(س) دفاع می‌کنند، انقلابیونی که در بحرین زیر شکنجه‌ها هستند و انقلابیونی که در سراسر جهان با استکبار مبارزه می‌کنند، نیاز به این الگوی انقلابی‌گری دارند.

برای اینکه انقلابیون ما به افراط و تفریط در انقلابی‌گری کشیده نشوند، به اسوه‌ای مانند علامه بهلول

احتیاج داریم

• امروز در جامعه ما هم نیاز به بازتعریف و دقت در معنا و معنویت یک انسان انقلابی داریم. برای اینکه بعضی‌ها انقلابی‌گری را تحریف نکنند یا انقلابی‌گری را متهم به افراطی‌گری نکنند و نیز برای اینکه انقلابی‌گری کارش به افراط کشیده نشود، به چنین اسوه‌ای بیش از هر زمان دیگری نیاز داریم. برای اینکه مذهبی‌ها به مقدس‌نمایی کشیده نشوند، ما به این اسوه احتیاج داریم. برای اینکه انقلابیون ما به افراط و تفریط و تعدیل، یعنی به کوتاه آمدن از انقلابی‌گری کشیده نشوند، ما به اسوه‌ای مانند شیخ بهلول احتیاج داریم.

• یک قرن زندگی جهادی بهلول الگوی انقلابی‌گری امروز ماست که هم انقلابیون را از افراط پرهیز می‌دهد و هم اتهام افراطی‌گری را از انقلابیون برمی‌دارد، چون هم یک انقلابی با بصیرت بود و هم تاریخ‌گواه حقانیت مواضع انقلابی اوست.

• بهلول شخصی انقلابی، ظلم‌ستیز، از خود گذشته، مهربان، ساده زیست، ولایتمدار، یتیم‌نواز، با صداقت و خلوص او بی‌نظیر بود.

باید شخصیتی مثل بهلول را در جامعه معرفی کنیم تا هر کس بوی انقلابی‌گری داد، او را به افراطی‌گری

متهم نکنند

• برای اینکه یک انسان انقلابی، در عین انقلابی بودن به خوبی به جامعه معرفی شود و مردم بدانند که یک نفر در اوج انقلابی‌گری می‌تواند این قدر مهربان، مردم‌دوست، همه‌جانبه‌نگر و از خودگذشته باشد و همه این صفات را یک‌جا داشته باشد، باید شخصیتی مثل آقای بهلول را در جامعه درست معرفی کنیم تا مردم هر کسی بوی انقلابی‌گری داد، او را به افراطی‌گری متهم نکنند.

ای‌کاش از یک قرن مجاهدت بهلول، سریالی می‌ساختیم که مخاطب جهان اسلامی و بین‌المللی داشته باشد/

او یک الگوی تمام عیار برای معرفی تاریخ انقلاب است

• بنده آرزو می‌کنم ای‌کاش می‌توانستیم یک سریالی از شخصیت بهلول بسازیم که مخاطب جهان اسلامی و بین‌المللی داشته باشد و مجاهدت صدساله ایشان را در این سریال نشان دهیم و با این الگو، ایران و انقلاب اسلامی را به ایرانی‌ها، جهان اسلام و جهان بشریت معرفی کنیم.

• ایشان که یک الگوی تمام عیار برای معرفی تاریخ انقلاب است، یک تاریخ صد ساله در مجاهدت و خدمت به مردم دارد؛ وقتی هفت سال داشته فعالیت خود را با روضه‌خواندن برای ابعادالله(ع) شروع کرده و وقتی در ۱۰۶ سالگی نیز که از دنیا رفته، باز هم در مسیر خدمت به مردم بوده است. در سال آخر حیاتشان، وقتی در حال کمک و خدمت‌رسانی به زلزله‌زدگان بم بوده، عارضه‌ای

برایشان پیش می‌آید. در واقع مهاجر فی‌سبیل الله بوده و به مقام شهادت نائل شده است. از هفت‌سالگی روضه‌خوانی را شروع کرد و بعد به مرور، در کنارش درس طلبگی خوانده و به عنوان یک عالم و مبلغ برجسته و انقلابی به تبلیغ پرداخته است؛ این یعنی یک قرن فعالیت، حیات مؤثر، مجاهده و حرکت در یک مسیر مستقیم.

امر سید ابوالحسن اصفهانی برای بهلول جوان

ایشان قبل از مقدمه شکل‌گیری انقلاب، از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی امر به جهاد مقابل رضاخان قلدرد می‌گیرد. سید ابوالحسن اصفهانی -مرجع تقلید آن زمان- به بهلول جوان می‌فرماید: «وقتی می‌توانی انقلابی سخنرانی کنی و مردم را علیه رضاخان قلدرد بشورانی، بر تو حرام است بنشینی در حوزه درس بخوانی» لذا بهلول، بلند می‌شود و مردم را علیه رضاخان قلدرد می‌شوراند و شعور مردم را در جهت انقلابی‌گری بالا می‌برد. و بعد از شروع انقلاب توسط حضرت امام(ره)، ایشان می‌آید و ارادت خودش را به حضرت امام(ره) اعلام می‌کند. و بعد از انقلاب هم، بدون یک‌ذره انحراف، همان راه خود را ادامه می‌دهد و از مقام معظم رهبری نیز مانند امام(ره) تبعیت می‌کند. این مقدار ولایت‌مداری و زهد و خلوص او واقعاً بی‌نظیر است.

می‌توانست با سابقه زندان و شکنجه، برای خود اعتبار بخرد ولی زاهدانه و انقلابی زیست / شدت تواضع علامه بهلول

او سال‌ها زجر و تبعید و شکنجه و زندان در بلاد غریب تحمل کرد ولی وقتی به ایران برگشت، بدون اینکه ادعای هیچ جاه و مقامی داشته باشد، همراه با رزمندگان جوان در خط مقدم جبهه مشغول نبرد شد و هر لحظه آمادگی شهادت را داشت. بعد هم مثل یک روحانی غریب در حالی که کوله‌باری از تاریخ انقلاب همراهش بود و زخم‌های شکنجه‌ها و زندان‌ها در بدنش بود و می‌توانست به آنها افتخار کند و با آنها برای خودش اعتباری بخرد، در کمال تواضع انگار که هیچ حقی بر گردن این مردم و این انقلاب ندارد، زاهدانه و کما کان انقلابی زندگی کرد.

برخی انقلابیون که یک‌درصد آقای بهلول سابقه مبارزه نداشتند، بعد از انقلاب وقتی دیدند کسی بر آنها ترجیح داده شده، ضد انقلاب شدند

اگر مذهبی‌های ما و انقلابیون ما با این اسوه آشنا نباشند، بیم انحراف در آنها هست. یک انقلابی‌ای که در راه انقلاب، کمی زجر کشیده باشد ولی آن‌طور که انتظار دارد، قدر او را ندانند، بیم این هست که کلاً ضدانقلاب شود، و نمونه‌هایش را در جریان انقلاب دیده‌ایم. انقلابیونی بودند که یک درصد آقای بهلول هم سابقه مبارزه نداشتند ولی بعد از انقلاب وقتی دیدند که کسی بر آنها ترجیح داده شد، رفتند ضد انقلاب شدند و رسماً در رادیوی عراق به حضرت امام(ره) فحش دادند، درحالی که کسی متعرض آنها نشده بود. البته دیگر شخصیت‌های انقلابی ما، هر کدام در کهکشان انقلاب برای خود ستاره‌ای هستند، ولی اگر بخواهیم مقایسه کنیم، بسیاری از انقلابیون مقابل بصیرت، درایت و انقلابی‌گری او واقعاً کم می‌آورند.

صدسال حرکت در مسیر مستقیم بدون ذره‌ای انحراف، مصداق «و ما بدّلوا تبدیلاً» است / برخی روز به روز رنگ عوض می‌کنند، و نامش را تکامل می‌گذارند!

• صد سال حرکت در مسیر مستقیم، بدون ذره‌ای انحراف معنوی و معرفتی، واقعاً ناشی از درایت و صفای باطن است. در قرآن کریم خداوند از کسانی که ثابت قدم هستند، چنین تقدیر می‌فرماید: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»

رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه؛ فمنهم من قضى نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبدیلاً» (احزاب/۲۳)
یعنی تقدیری که خداوند از شهدا می‌فرماید، مطابق با تقدیری است که از ثابت‌قدمان در راه می‌فرماید. و ثابت قدم بودن را همسنگ شهادت قرار می‌دهد.

• عوض نشدن و تغییر مسیر ندادن از راه مستقیم خیلی مهم است (و ما بدلوا تبدیلاً). خیلی ارزش دارد کسی صد سال در یک مسیر مستقیم حرکت کند و تا روز آخر مانند همان شروع حرکت در مسیر حق ثابت قدم باشد. آقای بهلول تا آخر مانند روز اول که از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی حکم جهاد تبلیغی علیه رضاخان قلدرد گرفته بود، با همان میانی صحیح سخن گفت و تاریخ گواهی می‌دهد ایشان در تمامی طول مسیر ثابت‌قدم بوده است. در حالی که امروز آدم‌هایی را جلوی چشم خود می‌بینیم که روز به روز رنگ عوض می‌کنند، نه ماه به ماه و سال به سال! و نام این رنگ عوض کردن خود را تکامل می‌گذارند!

اگر جوان‌های ما با زندگی این عالم مجاهد آشنا شوند، به او تاسی خواهند کرد

• بنده دوستان خود را به مطالعه شخصیت، کتاب خاطرات و مطالبی که درباره آقای بهلول گفته شده، ارجاع می‌دهم و حسرت می‌خورم که چرا کتاب خاطرات یا مصاحبه ایشان را دیر مطالعه کردم. وقتی به جزئیات خاطرات ایشان مراجعه می‌کنید می‌بینید که واقعاً درایت کم‌نظیری در ایشان بوده است.

• اگر جوان‌های ما با زندگی این عالم مجاهد آشنا شوند، به ایشان تاسی خواهند کرد؛ کافی است به دنبال خاطراتی از دوره جوانی ایشان باشند. زندگی انقلابی ایشان از ابتدای دوران جوانی واقعاً درس‌آموز است.

خاطره‌ای از مبارزات دوره جوانی آقای بهلول / ممانعت از برگزاری مجلس میگزساری پادشاه افغانستان در ایام محرم

• حرکت انقلابی آقای بهلول در سبزوار و در زمانی که یک طلبه جوان بودند بسیار جالب و منحصر به فرد است. رضاخان برای اینکه بی‌حجابی را رواج دهد پادشاه افغانستان را به همراه همسر بی‌حجابش به ایران دعوت کرده بود و در شهرهای مختلف می‌گرداند و در هر شهری که می‌رسیدند بساط میگزساری و بی‌بندوباری را پهن می‌کردند. آنها وقتی نزدیک سبزوار می‌شوند دستور می‌دهند که بساط عیش و نوش را در باغ ملی سبزوار فراهم کنند؛ در حالی که آن زمان، مصادف با شب اول محرم بود. بهلول به اطراف محل مورد نظر می‌رود، و کم‌کم عده‌ای از مردم هم دور او جمع می‌شوند و از مردم می‌خواهد حرکتی انجام دهند تا جلوی این کار را بگیرد. علی‌رغم آن جو خفقان رضاخانی، چون به قدرت مردم در عرصه سیاست باور داشت حرکت را آغاز می‌کند. بهلول به شهرداری یا شهرداری هشدار می‌دهد که اگر این بساط را جمع نکنند، خودشان این بساط را جمع خواهند کرد. به تدریج و بعد از خواندن نماز مغرب، جمعیت مردم افزایش پیدا می‌کند و همین حرکت باعث می‌شود مسئولین شهر ترسند و بساط را جمع کنند. لذا پادشاه افغانستان و همراهانش وارد سبزوار نشدند و از کنار شهر رد شدند و به نیشابور رفتند.

متأسفانه این مطلب هنوز برای جوانان ما جا نیفتاده است / چرا دشمنان به دنبال ترویج بی‌بندوباری هستند؟! / خاطره آقای بهلول از مسجد گوهرشاد

• در واقعه مسجد گوهرشاد نیز که علیه بی‌حجابی رضاخانی بود، ایشان و عده‌ای در محاصره قرار گرفته بودند. ایشان در خاطرات خود می‌گوید: «من حساب کردم که اگر ما تسلیم شویم، علیه ما دروغ خواهند گفت و شایعه می‌کنند که یک عده‌ای بودند که خطایی

کردند و خودشان هم توبه کردند! آن وقت این راه حق باقی نخواهد ماند و بعداً هرکس بخواهد علیه بی‌بندوباری قیام کند به تجربه شکست‌خورده ما نگاه خواهد کرد. ما اینجا اگر بمانیم و کشته شویم لاف‌ها را یکی سندی بر حقایق راهمان خواهد شد و اگر بتوانیم فرار کنیم، می‌توانیم مبارزه را ادامه دهیم، پس یا کشته می‌شویم و یا فرار می‌کنیم ولی به دست مزدوران رضاشاه اسیر نمی‌شویم» و با این تحلیل دقیق و درست و با بصیرت بالا اقدام کردند.

- **این هم جای تأمل دارد که چرا دشمنان و استعمارگران انگلیس و آمریکا، برای اینکه یک کشور را استثمار کنند توسط عمال و دست‌نشانندگان خود به دنبال ترویج بی‌بندوباری در آن کشور هستند؛ چون می‌دانند رواج بی‌بندوباری مساوی است با استثمار شدن. ولی متأسفانه این مطلب هنوز برای جوانان ما جانیفتاده است، و اگر جاییفتد، انگیزه انقلابی و عزت‌خواهی مردم و جوانان باعث می‌شود که بی‌بندوباری از جامعه ما جمع شود. مطالعه زندگی آقای بهلول جوانان ما را با ریشه‌چنین سیاست‌های استعماری آشنا می‌کند.**

امروز به نگاه و بصیرت آقای بهلول برای وحدت شیعه و سنی، نیاز داریم / سخن یک طلبه باعث شیعه‌کشی می‌شود، و سخن یک طلبه باعث نزدیک شدن دل‌های شیعه و سنی می‌شود!

- در سال‌های طولانی اسارت در افغانستان، علی‌رغم اینکه اختلاف بین شیعه و سنی از قدیم در افغانستان وجود داشته، ایشان به حدی بزرگوارانه و مهربانانه با اهل سنت برخورد می‌کردند که در آنجا محلل وفاق شیعه و سنی می‌شود. و اقداماتش در میان اهل سنت به گونه‌ای بود که بسیاری از آنها جذب بهلول می‌شوند.
- به عنوان مثال، در آن دوران، یک نفر آقای بهلول را مسموم می‌کند که اتفاقاً از سنی هم بوده و او را به بیمارستان می‌برند. وقتی از این مسمومیت نجات پیدا می‌کند، آن فرد خطاکار را دادگاهی می‌کنند ولی آقای بهلول او را می‌بخشد و مدتی بعد وقتی آن فرد در اثر بیماری از دنیا می‌رود، حتی بعد از وفات او به خانواده او هم کمک می‌کند و بخشی از مایه‌های خود را هر ماه به آن خانواده می‌دهد. همه اینها مربوط به قبل از خرداد ۴۲ بوده است و این بصیرت بالای ایشان را نشان می‌دهد. ما به این نگاه و بصیرت آقای بهلول که به وحدت شیعه و سنی داشت، امروز نیاز داریم.
- ایشان عادت داشتند قصه‌های تاریخ اسلام را برای نگهبانان خود بازگو می‌کردند و در بیان قصه‌ها معمولاً اصل وحدت شیعه و سنی را رعایت می‌کرده‌اند. یکبار وقتی برای یکی از نگهبانان که سنی هم بوده قصه کربلا را می‌گفتند نگهبان خلفا را مقصر و زمینه ساز این ماجرا اعلام می‌کند ولی ایشان با دفاع از خلفا می‌گوید آنها که علم غیب نداشتند که منصوبین آنها در آینده چه کارهایی انجام می‌دهند و در آن زمان به دنبال تطییف روابط شیعه و سنی بوده‌اند.
- از برخی کسانی که به خودشان بمب بسته بودند تا شیعیان را بکشند، ولی دستگیر شده بودند، سؤال کردند شما چگونه تصمیم گرفتید به دنبال شیعه‌کشی بروید؟ گفتند نوار سخنرانی یکی از علماء شیعه را به ما نشان دادند که به اهل سنت و خلفای ما فحش داده است. فرق بصیرت‌ها را ببینید! یک طلبه‌ای هست که صحبتش باعث می‌شود کسی بمب به خودش ببندد و بیاید شیعه‌کشی کند ولی یک طلبه‌ای (مانند بهلول) سخن و رفتارش باعث می‌شود دل‌های شیعه و سنی به هم نزدیک شود.

اگر شخصیت بهلول را به جهان اسلام معرفی کرده بودیم، آمار شیعه‌کشی‌ها کمتر می‌شد / مصر امروز بیش از هر زمانی به بصیرت شخصیتی مثل آقای بهلول نیاز دارد / تدریس علامه بهلول در دانشگاه الازهر مصر / اگر مسئولین فرهنگی ...

- ما امروز در جهان اسلام با وضعیتی مواجه هستیم که شیعه را بسیار بد معرفی کرده‌اند و باعث شده‌اند بسیاری از اهل سنت، ذهنیت غلط و بدی نسبت به شیعیان داشته باشند. در چنین شرایطی، اگر شخصیتی مثل آقای بهلول را در جهان اسلام معرفی می‌کردیم چقدر از مسائل حل می‌شد؟!
- **اگر مسئولین فرهنگی ما زودتر از اینها توانسته بودند برای تولید سریال زندگی این شخصیت اقدام کنند و این شخصیت را در عرصه بین‌الملل و جهان اسلام معرفی کرده بودند، شاید آمار شیعه‌کشی و قتل‌هایی که در سوریه صورت می‌گیرد، کاهش پیدا می‌کرد و اثر دروغ‌ها و فریب‌ها که در معرفی بد شیعه انجام می‌گیرد، کمتر می‌شد. چون مسلمانان منطقه، شیعه را در قالب شخصیتی مثل بهلول می‌دیدند که با اهل سنت بسیار مهربان است.**

- آقای بهلول یک «شخصیت جهان‌اسلامی» دارد. او کسی بود که در الازهر مصر تدریس کرده بود و در آنجا او را به عنوان یک عالم دینی پذیرفته بودند. همین الان برای وضعیت امروز مصر، شخصیت او قابل بیان و قابل بهره‌برداری است. مصری که امروز بیش از هر زمانی به بصیرت شخصیتی مثل آقای بهلول نیاز دارد.

ما برای غربت شخصیت آقای بهلول و معرفی نشدن او، سوگواری می‌کنیم نه برای رحلت او

- امروز ما برای غریب بودن شخصیت آقای بهلول سوگواری می‌کنیم نه برای رحلت او، چرا که او با افتخار و عزتمندانه زندگی کرد و با افتخار در راه خدمت به مؤمنین جانش را تقدیم کرد.
- **چه کسی در بین ما هست که نخواهد عمر با برکتی مثل آقای بهلول داشته باشد و مانند او با افتخار زندگی کند و از دنیا برود؟ واقعاً شخصیت عجیب و شگفت‌آوری است و مقام معظم رهبری با حساب درباره آقای بهلول فرمودند که: «یکی از شگفتی‌های روزگار ما بود» (۱۰/۰۵/۱۳۸۴)**

ماجرای توسل آقای بهلول به اهل‌بیت(ع) در زندان انفرادی

- در ارادت آقای بهلول به اهل‌بیت(ع) سخن بسیار است. ایشان زندگی خود را با روضه‌خوانی شروع کرده بود و به توصیه خواهرشان از هفت سالگی روضه‌خوانی را با روضه‌خواندن در مجلس روضه خانم‌ها شروع کرد. حتماً بصیرت ایشان هم به خاطر شدت محبت او به اهل‌بیت(ع) و اباعبدالله(ع) بوده‌است.
- ایشان در خاطراتش می‌گوید: در دوران اسارت در زندان‌های افغانستان، یک زمانی بود که حشرات خاصی در زندان وجود داشت و بدن مرا گزیده بودند و مجروح کرده بودند و از بابت آنها خیلی اذیت می‌شدم. چون در زندان انفرادی بودم نمی‌توانستم خودم را مداوا کنم. یک شب به اهل‌بیت(ع) متوسل شدم و عرضه داشتم: «من می‌خواهم در راه شما مبارزه کنم، اگر آزار این حشرات در راه مجاهدتم فایده‌ای دارد تحمل می‌کنم، اما اگر فایده‌ای ندارد این زحمت و اذیت را از سر من کم کنید.» فردای آن شب وقتی

چشمم را باز کردم دیدم در و دیوار زندان از مورچه‌هایی پر شده که همه آن حشرات و تخم‌های آنها را خورده‌اند و بعد همه آن حشرات و مورچه‌ها رفتند و زخم‌های بدن من هم بدون مداوا خوب شد و این کرامت و کمکی از جانب اهل بیت(ع) بود و من فهمیدم که اهل بیت(ع) به من عنایتی دارند.

خاطره‌ای از علامه بهلول و پارکینگی که در آن مجلس روضه امام حسین(ع) برگزار می‌شد

• ایشان آنقدر به روضه اباعبدالله الحسین(ع) ارادت داشت که خانه‌ای را که در آن روضه برگزار می‌شد بدون آنکه مطلع باشد می‌ساخت و نورش را احساس می‌کرد. زمانی به خانه یکی از دوستان ما تشریف آورده بودند، هنگام ورود به طبقه همکف (پارکینگ ساختمان) به جوان خانه می‌گویند: اینجا روضه برگزار می‌کنید؟ جوان که روضه هفتگی در ذهنش می‌آید و فکر می‌کند منظورشان برگزاری روضه هفتگی است، می‌گوید نه. ولی آقای بهلول بر گفته خود اصرار می‌ورزد و جوان به یاد روضه‌های دهه اول محرم می‌افتد و می‌گوید: «بله، سالی ده روز روضه می‌گیریم.» و آقای بهلول می‌گوید: بله، معلوم است.

• این مقدار ارادت به اهل بیت(ع) که می‌تواند احساس کند در کدام خانه نور اهل بیت(ع) وجود دارد بسیار قابل تحسین است. همین ارادت است که یکصد سال او را در سخت‌ترین شرایط در مسیر مستقیم انقلاب ثابت قدم نگاه می‌دارد.

(۱) پیام رهبر معظم انقلاب در پی درگذشت حجت‌الاسلام شیخ محمدتقی بهلول (اینجا)

بسم الله الرحمن الرحيم. خبر درگذشت روحانی وارسته و پارسا مرحوم حجت‌الاسلام آقای شیخ محمدتقی بهلول رحمه‌الله‌علیه را با تأسف و دروغ، دریافت کردم. این بنده‌ی صالح و مجاهد و پرهیزگار که عمر طولانی و پرمآجرای خود را یکسره با مجاهدت و تلاش گذرانید، یکی از شگفتیهای روزگار ما بود. هفتادسال پیش در ماجرای خونین مسجد گوهرشاد، زبان گویای ستم‌دیدگان و حق‌طلبان شد و آماج کینه‌ی حکومت سرکوبگر پهلوی گشت. بیست‌وپنجسال مظلومانه در اسارت حکومت ظالم دیگری انواع رنجها و آزارها را تحمل کرد. پس از آن سالها در مصر و عراق ندای مظلومیت ملت ایران را از رسانه‌ها به گوش مسلمانان رسانید. سالها پس از آن در ایران بی‌هیچ پاداش و توفعی به هدایت دینی مردم پرداخت. در سالهای دفاع مقدس همه‌جا دل‌های جوان و نورانی رزمندگان را از فیض بیان رسا و صادقانه‌ی خود نشاط و شادابی بخشید، نودسال از یکقرن عمر خود را به خدمت به مردم و عبادت خداوند گذرانید. زهد و وارستگی او، تحرک و تلاش بی‌وقفه‌ی پیکر نحیف او، ذهن روشن و فعال او، حافظه‌ی بی‌نظیر او، دهان همیشه صائم او، غذا و لباس و منش فقیرانه‌ی او، شجاعت و فصاحت و ویژگیهای اخلاقی برجسته‌ی او، از این مؤمن صادق، انسانی استثنائی ساخته بود. اکنون این یادگار یک قرن تاریخ پرحادثه‌ی مبارزات ملت ایران از میان ما رفته و انشاءالله قرین رحمت و مغفرت الهی است. به همه‌ی علاقمندان و دوستان و نزدیکان آن مرحوم تسلیت می‌گوییم و فضل و فیض خداوندی را برای او مسئلت می‌کنیم.

سیدعلی خامنه‌ای

۱۰/مرداد/۱۳۸۴

